

در ستایش آموختن



یاد بگیر، ساده‌ترین چیزها را!
 برای آنان که بخواهند یاد بگیرند،
 هرگز دیر نیست
 الفبا را یاد بگیر! کافی نیست؛ اما
 آن را یاد بگیر! مگذار دل سردت کنند!
 دست به‌کار شو! تو همه چیز را باید بدانی
 تو باید رهبری را به‌دست گیری ای آن که در تبعیدی، یاد بگیر!
 ای آن که در زندانی، یاد بگیر!
 ای زنی که در خانه نشسته‌ای، یاد بگیر!
 ای انسان شصت ساله، یاد بگیر!
 تو باید رهبری را به‌دست گیری
 ای آن که بی‌خانمانی، در پی درس و مدرسه باش!
 ای آن که از سرما می‌لرزی، چیزی بیاموز!
 ای آن که گرسنه گی می‌کشی، کتابی به‌دست گیر!
 این خود سلاحی است
 تو باید رهبری را به‌دست گیری
 ای دوست، از پرسیدن شرم مکن!
 مگذار که با زور، پذیرنده‌ات کنند
 خود به‌دنبال‌اش بگرد!
 آن چه را که خود نیاموخته‌یی
 انگار کن که نمی‌دانی
 صورت حسابات را خودت جمع بزن!
 این تویی که باید پیردازی‌اش
 روی هر رقمی انگشت بگذار و بپرس: این، برای چیست؟
 تو باید رهبری را به‌دست گیری.

برتولت برشت



خوشحالم که هم‌اکنون شماره 2 نشریه دانش‌آموز با تشویق و کوشایی تحسین‌برانگیز شاگردان نوجوانان و جوانان‌ام منتشر شده است. آن‌ها با تلاش و پیگیری و عشق و زیبایی توانسته‌اند شماره 2 دانش‌آموز را در اندک زمانی به‌زیبایی رشته تحریر درآورند.

از همه دست‌اندرکاران شبکه‌های اجتماعی، از جمله «رادیو همبستگی» در استکهلم، که نشریه دانش‌آموز را معرفی کرده‌اند بی‌نهایت سپاسگزاریم.

از این شماره دانش‌آموز از بین دانش‌آموزانم هیئت تحریریه‌ای هفت نفره‌ای تشکیل داده‌ایم. موضوعات مطالب نشریه، نخست پس از بحث و بررسی و پیشنهاد در کلاس درس‌مان، تعیین می‌شوند و سپس هر کدام از آن‌ها، موضوع تعیین‌شده مورد علاقه‌شان را می‌نویسند. اما قرار بر این است که مطالب هیچ دخل و تصرفی و بدون مشورت با نویسندگان آن مطالب منتشر شوند که شاید با موضوع و نظر معلم در تضاد باشند.

همچنین از شماره 3 نشریه دانش‌آموز، یک صفحه آزاد باز خواهیم کرد که به‌نظریات و انتقادات و پیشنهادات اختصاص داده ایم.



روز جهانی و زیبای زن را در پیش داریم درجاست که این روز خجسته را به‌عزیزان نوجوان و جوان نویسندگان نشریه دانش‌آموز، همکارانم و همه انسان‌های آزاده و مساوات‌طلب تبریک بگویم.

معلم

اهداف نشریه دانش آموز:

پناهندگان

در سال‌های اخیر، اروپا به‌خصوص سوئد، شاهد گسترش شدید پناهندگان و مهاجران به‌داخل این مناطق بوده که بیش‌تر این مهاجرت‌ها ناشی از جنگ، ناامنی سیاسی، کمبود امکانات، فقر، گرسنگی و... بوده است. با توجه به این که در بسیاری از مناطق دنیا، شرایط زندگی خوب مهیا نیست مردم روی به‌مهاجرت می‌آورند. گرچه می‌دانند که مهاجرت سختی‌های خودش را دارد ولی باز به‌خطر انداختن جان و مال خود راهی سفری دور برای زندگی بهتر می‌شوند. در چند سال اخیر، همواره شاهد آمدن مهاجرین به‌داخل خاک اروپا بوده‌ایم ولی در طی این سه سال اخیر، این روند شدت بیشتری گرفته و دلیل آن هم جنگ در سوریه، عراق، لیبی، افغانستان و... بوده که بیش‌ترین پناهندگان را تشکیل می‌دهند به‌طوری که فقط در طی این سه سال، بیش از دو میلیون پناهنده وارد قاره سبز شده‌اند. از این تعداد سهم کشورهای آلمان، سوئد و اتریش نسبت به‌دیگر کشورها بیش‌تر بوده است. با این که بعضی از کشورها خود نیاز به‌مهاجر دارند ولی گسترش شدید این واقعه به‌طور ناگهانی مشکلات فراوانی را نیز به‌وجود آورده است که مردم این کشورها را نسبت به‌پناهندگان و مهاجرین بدبین کرده از جمله بر این تصورند که مسالی همچون گسترش دزدی، ناامنی، کم‌تر شدن امکانات برای مردم عادی و در برخی موارد حتی شامل تجاوزات جنسی از سوی مهاجرین تازه‌وارد بوده‌ایم که همین خود به‌شدت به‌عید مردم نسبت به‌مهاجرین آسیب زده است.



همچنین مساعد کردن شرایط زندگی برای پناهندگان تازه‌وارد کار آسانی نیست به‌دلیل آن که بیش‌تر آن‌ها از فرهنگ و جامعه دیگری هستند به‌خصوص کسانی که دین دارند و در کشورهایی اکثرًا با محدودیت‌های فراوانی زندگی کرده‌اند ولی وقتی به‌یک جامعه جدیدی و بازی همچون اروپا پا می‌گذارند مطابقت پیدا کردن‌شان با این جامعه آسان نخواهد بود و به‌همین خاطر، مشکلاتی را نیز به‌وجود می‌آورد. تنها در سال 2015، بیش از 167000 نفر پناهنده وارد سوئد شده‌اند که این بیش از ظرفیت کشور بوده و به‌همین علت مشکلات فراوانی را به‌وجود آورده است. ولی از این تعداد بنا بر گزارش اداره مهاجرت سوئد، حدود 45 درصد از آن‌ها واجد شرایط پناهنده‌گی نیستند و باید سوئد را ترک کنند و از مابقی هم به‌تعداد کثیری اقامت موقت داده می‌شود. ولی در این میان تعدادی نیز هستند که اجازه اقامت دائم می‌گیرند که کودکان تنهای پناهجو شامل آن‌ها می‌شوند. بحث‌های زیادی بر سر این که چه کسانی کودک به‌حساب می‌آیند وجود دارد که از نظر قانونی، فردی که زیر 18 سال داشته باشد کودک به‌حساب می‌آید. و اگر تنها به‌سوئد آمده باشند شامل قانون کودکان تنهای پناهجو می‌شوند که شرایط را برای دریافت اقامت دائم بر آن‌ها آسان می‌کند.

ولی از آن‌جا که این کودکان هنگام ورود به‌سوئد، هیچ مدرک شناسایی با خود به‌همراه ندارند تشخیص دادن سن آن‌ها از مشکل‌ترین معضلات جامعه به‌شمار می‌رود. زیرا برخی افرادی هستند که با وجود سن‌های خیلی بالاتر از حد قانونی 18 سال وارد سوئد می‌شوند و خود را زیر 18 سال معرفی می‌کنند و سرمنشا بسیاری از تخلفات همین است که در هفته‌های اخیر شامل خیلی از آن‌ها بوده‌ایم.

- * اشاعه فرهنگ مطالعه و پژوهش بین معلمان و دانش‌آموزان؛
- * تبادل اندیشه و نظریات علمی بین دانش‌آموزان؛
- * ایجاد بستری برای رشد و پویایی مسایل آموزشی و پرورشی؛
- * ارتقای سطح دانش، آگاهی و معلومات دانش‌آموزان؛
- * آموزش کتبی زبان مادری.

آدرس امیل تماس با نشریه:

daneshamooz2016@gmail.com

آموزش زبان مادری حق مسلم هر انسانی است!

21 فوریه، روز جهانی زبان مادری است. روز جهانی زبان مادری بیش از هر جای دیگری، متوجه کشورهای است که دارای تنوع زبانی گسترده‌ای هستند تنوعی که به‌گفته جنوا اسپیرمن، امری طبیعی، میراثی انسانی و سرمایه‌ای اجتماعی است. اما در کشورهای همچون ایران، مناسفانه زبان‌های مادری همه مردم این کشور غیر از فارسی، یعنی زبان‌های ترکی آذری، کردی، عربی، بلوچی و غیره ممنوع است.

جنوا اسپیرمن، زبان‌شناس و متخصص سیاست‌های زبانی در دوران پسااستعمار، در گفتگوی اختصاصی، ضمن شرح اهمیت آموزش و تحصیل به‌زبان مادری، از سیاست‌های زبانی که منجر به یک‌سان‌سازی زبانی می‌شوند، انتقاد می‌کند و می‌گوید: «اگر شما آموزش و ترویج یک زبان را قه‌غن و غیرقانونی کنید، در نهایت، آن زبان را حذف می‌کنید و با از بین بردن آن زبان، فرهنگ آن گروه زبانی را نیز نابود می‌کنید و در نهایت، خود آن مردم را حذف و از بین می‌برید. ممکن است که آن‌ها به‌صورت فیزیکی از بین نروند اما آن‌ها دیگر خودشان نیستند بلکه تبدیل به دیگری شده‌اند که به‌زبان و فرهنگ دیگری تعلق دارند. آن‌ها دیگر وجود خارجی ندارند.» این استاد دانشگاه می‌شکاک تاکید کرده است: «وضع قوانینی که سیاست‌گذاری‌های زبانی را اجباری می‌کند، گامی اساسی در جلوگیری از نابود کردن زبان‌ها است.» وی سیاست زبانی آفریقای جنوبی را مثال خوبی در این زمینه می‌داند، کشوری که در آن یازده زبان رسمی وضع شده است.

جنوا در جواب سنوال: «بسیاری از زبان‌شناسان بر آموزش زبان مادری و تحصیل به آن زبان تاکید می‌کنند، چرا؟»، چنین جواب داده است: «این مساله که کودکان به‌زبان مادری خود آموزش ببینند، مساله بسیار مهمی است، به‌این دلیل که، این زبان، تنها زبانی است که کودکان به‌بهترین نحو آن را متوجه می‌شوند. پیشینه تحقیقات در سراسر جهان این مساله را اثبات می‌کند که موثرترین راه برای آموزش مفاهیم و مهارت‌ها به‌کودکان، استفاده از زبان مادری آن‌ها است. این آموخته‌ها، در تمام عمر با او خواهند بود.»

به نظر جنوا: «آموزش زبان مادری کاملاً طبیعی و ضروری است و در ارتباطات انسانی، بسیار مهم و مفید است. البته در کنار آن، انسان‌ها به‌زبان مشترکی هم نیاز دارند تا بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. با این‌که تنوع زبانی کاملاً یک مساله طبیعی است اما ما انسان‌ها، به‌زبان مشترکی نیاز داریم تا با کسانی که خارج از حیطه زبان مادری‌مان هستند، ارتباط برقرار کنیم. اما عواطف و احساسات و اندیشه‌ها و ارزش‌ها و مفاهیم این‌چنینی، می‌توانند به‌بهترین شکل، توسط زبان مادری هر فرد منتقل شوند و در برخی موارد، زبان مادری تنها ابزار موجود برای انتقال مفاهیم ذکر شده است...»



زنان

روز زن پیشاپیش مبارک

مسابقات زیبایی باستی

ممنوع شود!

در جوامع مختلف، مسابقات زیبایی بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است. اساس این مسابقات، ارزیابی چهره و اندام زنان است. هر سال در آمریکا، حدود 100 هزار مسابقه زیبایی برگزار می‌شود. سایت «میس آمریکا (Miss Ammerika)» می‌نویسد: «برگزاری این مسابقات زیبایی با همه چیزهایی که فمینیست‌ها برایش جنگیدند تناقض دارد.»

این مسابقات، باعث می‌شود که در جامعه یک تصویر غیرمنطقی از بدن ایده‌آل زنان ایجاد بشود. بنابراین این‌نوع مسابقات برای بینندگان زیان‌آور است. چرا که ممکن است آن‌ها از ظاهر خود راضی نباشند و همچنین احساس کمبود بکنند. به‌منظر من به‌همین دلیل، مسابقات زیبایی باید ممنوع شود.

با برگزاری این مسابقات، و نیز اعلام یک برنده، داوران معیار زیبایی را به‌این شکل مشخص می‌کنند. **هیچ‌کس نباید این قدرت را داشته باشد که معیار زیبایی زنان را تعیین کند؛ زیرا همه زنان به‌نوبه خود زیبا هستند چه اندامی لاغر داشته باشند چه چاق، چه بلندقد باشند چه کوتاه قد. برعکس آن‌چه خیلی‌ها تصور می‌کنند، زیبایی فقط اشاره به‌ظاهر زنان نمی‌کند، بلکه به‌شخصیت و درون آن‌ها نیز مربوط می‌شود. مسابقات زیبایی، مردم جامعه را برمی‌انگیزد تا زنان را فقط از طریق ظاهر آن‌ها بسنجند. در نتیجه، زنان در نگاه مردان مانند وسیله به‌منظر می‌آیند و اهمیتی به‌فردیت و شخصیت آن‌ها نمی‌دهند.**

در این مسابقات، تصویری که از زنان به جامعه ارائه می‌دهند زنانه هستند قدبلند، باریک اندام با موهای بلند و گونه‌هایی برجسته که ملاک زیبایی در نظر گرفته می‌شوند. وقتی زنان دیگر، آن‌ها را می‌بینند و آن‌ها را با خود مقایسه می‌کنند، باعث می‌شود که اعتماد به‌نفس خود را از دست بدهند و حتی، دچار افسردگی شوند. تاثیر این تصاویر در جامعه، آن‌قدر زیاد است که حتی برخی مردها هم انتظار دارند که همسرانشان نیز مانند این مانکن‌ها باشند. در بعضی موارد در روابط آن‌ها هم تاثیر منفی می‌گذارد.

دختران جوان این مدل‌ها را الگو خود قرار می‌دهند و سعی می‌کنند تا شبیه آن‌ها خود را درست کنند. هزینه‌های زیادی را صرف خرید لباس‌های گران‌قیمت و مارک دار و تهیه مواد آرایش و زیبایی می‌کنند. این محصولات مختلف تاثیر منفی بر روی پوست صورت آن‌ها یا موهایشان دارد.

از طرفی وقت زیادی را هم به‌این ترتیب از دست می‌دهند و به‌جای آن که درس خواندن و پیشرفت علمی و فرهنگی خود را در اولویت قرار دهند.

ادامه در ص 5

کارشناسان علوم اجتماعی معتقدند که بار پیشرفت بشر در زمینه فرهنگ، علوم اجتماعی و یا حتی سیاسی در قرن پیش رو بر دوش زنان خواهد بود. آمار بالای فارغ‌التحصیلان زن تا حدی این آمار را اثبات می‌کند.

بالا رفتن سن ازدواج در دختران باعث مجال تحصیلات بالاتر می‌شود، به‌این ترتیب با رشد تحصیلات در زنان، جامعه به‌مادراتی آموزش دیده‌تر دست خواهد یافت و مادران به‌نوبه خود در تربیت فرزندان که تعدادشان خودآگاهانه کم خواهد بود آگاهانه‌تر عمل می‌کنند این عمل ظرف پنجاه سال اخیر رشد بیش‌تری یافته و درحال شتابگیری هر چی بیش‌تری می‌باشد. در جهان صنعتی تعداد زنان مدیر اعم از مدیران برجسته یا میان پایه بیش از پیش فزونی گرفته است، دور از انتظار نیست که روندی که در جامعه غرب با قدرت گرفتن مارگارت تاچر در انگلیس آغاز شده بود در ادامه خود به‌کاندیدشدن اولین رییس جمهور زن در آمریکا نیز بیانجامد.



به‌این ترتیب در ادامه این روند زنان در عرصه سیاسی و به‌طبع آن در عرصه نظامی نقش‌دوران‌سازی را در پیش رو ایفاء خواهند کرد، فراموش نکنیم که رییس جمهور آمریکا فرمانده کل ارتش آمریکا یعنی بزرگترین ارتش جهان که دارای نیروهای اتمی نیز هست، می‌باشد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که هر سال روز 8 مارس ارزش سمبولیک بیش از پیش پیدا خواهد کرد چرا که نه تنها این روز بیانگر مبارزات زنان برای احقاق حقوق برابر با مصائب نیمی از جمعیت جهان می‌باشد بلکه نیمه پیشرو جهان را که هنوز بسیاری انرژی‌های آزاد نشده در خود دارد که رفته‌رفته با برداشته شدن قید و بندهایی که تاریخ و فرهنگ بار وی بسته را نمایندگی می‌کند.

فاطمه عسکر محمدی، 18 ساله

8 مارس روز جهانی زن

روز جهانی زن هر سال در 8 مارس برگزار می‌شود. تمرکز برای برگزاری این روز توجه به‌مسائلی چون: **حقوق برابری و موقعیت الان زنان جهان هست. نخست در سال 1910 روز زن به‌عنوان روز زنان کارگر توسط سوسیالیسم‌های کشورهای جهان به‌ثبت رسید. سپس از سال 1977 برگزاری جشن در این روز بسیار به‌طور معمول شده بود. این روز توسط سازمان ملل متحد روزی برای زنان به‌ثبت رسیده است. در این سده گذشته، کارهای بسیاری برای زنان انجام شده است. اما هنوز باید کارهای بسیاری انجام شود. بسیاری از زنان هنوز برای خواسته‌های خود مجبور به‌تلاش هستند تا به‌عدالت دست پیدا کنند و حقوق برابری با مردان داشته باشند. ولی در سوئد این چنین نیست. سوئد کشوری با کمترین ناعدالتی در جهان است. با این حال که بسیاری از دختران جوان نمره بهتری نسبت به‌پسران از دبیرستان می‌گیرند و به‌دانشگاه می‌روند اما تنها 2 درصد از زنان رییس می‌شوند. زنان در سوئد، تنها 80 درصد از حقوق مردان را می‌گیرند با این که به‌یک اندازه کار می‌کنند.**

سالانه روز زن در کشورهای مختلف جشن گرفته می‌شود. در روز جهانی زن، به‌مسائل مختلفی درباره زنان پرداخته می‌شود. زنان زیادی در گوشه کنار این کره خاکی در این روز برای آزادی و داشتن عدالت به‌پا می‌خیزند. آرزوی بسیاری از افراد و اقشار مختلف جامعه، شاید چنین باشند که بتوانند سهمی برابر با مردان در جهان داشته باشند. اما آرزوی من چنین است که روزی بیاید تا تمام مردان برای وجود تکتک زنان افتخار کنند و به‌آن‌ها عشق ورزند و ببالند!

سارا مقیمی، 18 ساله

روز زن

برای من روز زن، یعنی تساوی زن و مرد، یعنی اگر هر دو با داشتن یک مدرک تحصیلی، دست مزد برابر داشته باشند. و به همان اندازه که مردان در جامعه حق دارند زنان نیز داشته باشند.

روز زن سنبل زنان در دنیاست که باید به آن توجه کرد. به نظر من، مهم است که مردان هم در روز زن در راستای مبارزه با تبعیض و ظلم و ستم بر زنان حمایت کنند.

یاسمین زاد، 16 ساله



men tal Rights. "Discrimination and hate crime against Jews in EU Member States: experiences and perceptions of antisemitism". 2013

http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra-2013-discrimination-hate-crime-against-jews-eu-member-states_en.pdf

(Hämtad 2015-12-13)

Borell, Klas. *Islamofobiska fördomar och hatbrott: En kunskapsöversikt*. Nämnden För Statligt Stöd till Trossamfund. 2012.

<http://www.sst.a.se/>

down-

[load/18.11165b2c13cf48416de7759/1377188453740/Islamofobiska+f%C3%B6rdomar+och+hatbrott+-hela+h%C3%A4ftet.pdf](http://www.sst.a.se/download/18.11165b2c13cf48416de7759/1377188453740/Islamofobiska+f%C3%B6rdomar+och+hatbrott+-hela+h%C3%A4ftet.pdf)

(Hämtad: 2015-11-02)

Djäv, Carina.Westerberg, Sara.

Frenzel, Anna. *Statistik över polisanmälningar med identifierade hatbrottsmotiv och självrapporterad utsatthet för hatbrott*. Brottsförebyggande rådet. 2015.

<https://www.bra.se/>

down-

[load/18.3f29640714dde2233b1bd975/1438687979405/2015_13_Hatbrott_2014.pdf](http://www.sst.a.se/download/18.3f29640714dde2233b1bd975/1438687979405/2015_13_Hatbrott_2014.pdf)

(Hämtad: 2015-11-02)

Nämnden För Statligt Stöd till Trossamfund. *Främlingsfientliga handlingar mot trossamfund*. 2014.

<http://www.sst.a.se/>

down-

[load/18.2fd784f81498e7bc198f3e27/1415783087001/ffattacker_helarapport.pdf](http://www.sst.a.se/download/18.2fd784f81498e7bc198f3e27/1415783087001/ffattacker_helarapport.pdf)

(Hämtad: 2015-11-02)

علی محمودی، 18 ساله، متولد سوئد

مجله «شارلی ابدو» اعلام کرد جایزه‌ای برای اهدا به بهترین آثار ادبی بی‌پروا و غافلگیرکننده جوانان فرانسوی زبان پایه‌گذاری کرده است.

شارلی ابدو هدف خود را کمک به جوانان برای رهایی از بند سنت‌های دیرین عنوان کرده است.

در حمله یک گروه سه نفره اسلامی مسلح به‌سلاح سنگین در روز ۷ ژانویه سال ۲۰۱۵ به‌دفتر نشریه طنز و کاریکاتور شارلی ابدو در مجموع ۱۲ نفر از جمله سردبیر این نشریه کشته شدند. ۴ تن از قربانیان از کاریکاتوریست‌های نامدار فرانسه بودند. در این حمله ۱۱ نفر نیز زخمی شدند. اعلام شد که این سوءقصد از خونبارترین حمله‌های تروریستی در فرانسه در دهه‌های اخیر بوده است.



اسلام‌ستیزی وجود داشته که در مقایسه با سال 2013، افزایشی 50 درصد داشته است. جالب است بدانید که به 1 درصد این شکایت‌ها رسیدگی شده است. در مورد تهدیدات اجتماعی ضدیهودی باید گفت 216 مورد شکایت به‌این شورا رسیده که در این مورد هم نسبت به‌سال 2013، افزایشی 38 درصد مشاهده شده است. این شورا همچنین گزارش کرده که تنها به‌سه درصد این شکایات رسیدگی شده است.

به‌عقیده من، تعداد بسیار زیاد شکایت‌های شامل تهدید و توهین علیه دین‌داران یهودی و مسلمان نمونه آشکاری است که به‌خوبی نشان می‌دهد تا چه اندازه حق آزادی دین در جامعه سوئد محدودتر شده است. افراد دین‌دار دیگر نمی‌توانند بدون این که مورد توهین و تهدید و تبعیض واقع شوند دستورات دینی‌شان به‌خوبی اجرا کنند. از طرف دیگر، تعداد بسیار کم موارد رسیدگی‌شده به‌شکایات می‌تواند بستگی به‌روش رسیدگی نیروی پلیس داشته باشد. همچنان قبلاً هم این روش از طرف انجمن‌های مذهبی مورد اعتراض قرار گرفته بود.



یادآوری می‌کنم اعضای گروه‌های دینی گوناگون اعتماد کمی به‌پلیس داشته و نسبت به‌روش‌های رسیدگی آن‌ها به‌این تبعیض و تهدیدها اعتراض کرده‌اند.

دقیقاً به‌همین دلایل تعداد این‌گونه اتفاقات می‌تواند، بیش‌تر از شکایت‌های انجام‌شده باشد. چرا که بسیاری به‌دلیل چشم‌پوشتن پلیس، تصمیم می‌گیرند شکایتی را در این موارد نکنند. به‌بیان دیگر، نیروی انتظامی که باید یکی از منابع اصلی در حفظ امنیت و محافظت افراد جامعه باشد، خود به‌عنوان یکی از عوامل این چرخه منفی عمل می‌کند. به‌این ترتیب، این تهدیدها و مزاحمت‌ها بیش‌تر پذیرفته‌شده و حالت عادی به‌خود می‌گیرد و به‌جای موردی استثنایی، به‌هنجار و نرم اجتماعی تبدیل شده است. از طرف دیگر، این محرومیت‌ها به‌احتمال زیاد باعث کم‌شدن توانایی مسلمانان و یهودیان برای تصمیم‌گیری در مورد وضعیت زندگی اجتماعی‌شان می‌شود.

سرانجام این جدایی منجر به جامعه‌ای دو قطبی می‌شود. یعنی جامعه‌ای که به‌طور روشنی طرز فکر «ما و دیگران» در آن وجود دارد.

سرانجام این جدایی منجر به جامعه‌ای دو قطبی می‌شود. یعنی جامعه‌ای که به‌طور روشنی طرز فکر «ما و دیگران» در آن وجود دارد.

بنابراین در پایان می‌توان گفت: آزادی دینی با این که حقی پایه‌ای و انسانی است عملاً در سوئد کجتر شده است.

منابع:

Källförteckning:

European Union Agency for Funda

«آزادی مذهب»

در سوئد»

کشور سوئد، به‌عنوان یکی از غیرمذهبی‌ترین و سکولارترین کشورهای جهان شناخته شده است و از سال 1951 تاکنون، قانون آزادی دینی جزء قانون اساسی خود قرار داده است.

آزادی دین به‌این معنی است که هر انسان حق اعتقاد و عمل به‌دستورات و مذهبی و دین خود را به‌عنوان حقی محافظت شده دارد. آزادی دینی، حتی در بخش 18 اعلامیه جهانی سازمان ملل متحد (FN) هم آمده است.

در مطالعه انجام‌شده توسط مرکز تحقیقات در سال 2014 از کشور سوئد، به‌عنوان یکی از کشورهای که بالاترین تهدید برای آزادی دینی در جامعه را دارد، نام برده شده است.

البته مطالعات و تحقیقات مشابه، این نتیجه را تایید می‌کنند. مرکز «Som - institutet» در سال 2011، در یک نظرسنجی در مورد برخورد با مذاهب و آزادی دینی در جامعه سوئد نشان می‌دهد که 50 درصد از نظردهندگان، دیدی منفی در مورد اسلام داشته‌اند.

رقم مشابه در مورد دین یهود 34 درصد بوده است. در همان‌زمان، طبق شهادت بسیاری از موسسات دینی یهودی و اسلامی، اعضای آن‌ها به‌دلیل اعتقادات دینی خود همه روزه مورد تبعیض واقع می‌شدند.

بسیاری از نمایندگان انجمن‌های گوناگون مسلمان ادعا کرده‌اند که توهین کلامی، تبعیض و تفاوت گذاشتن از مواردی است که به‌طور روزمره برای آنان اتفاق می‌افتد. مسئول سازمان آمار تبعیضات «Diskrimineringsombuds »mannen» در گزارشی نوشته است: «در بازار مسکن با مسلمانان و یا کسانی که احتمال مسلمان بودن‌شان است، رفتار بدی می‌شود.»

DO می‌گوید که وابستگی دینی حتی می‌تواند روی بازار کار هم اثر داشته باشد. به‌خصوص که کارفرماها به‌طور برنامه‌ریزی شده‌ای افراد مسلمان و دارای نام‌هایی با ریشه عربی را استخدام نمی‌کنند.

علاوه براین، آژانس اتحادیه اروپا (FRA)، به‌دنبال نظرسنجی که در سال 2012 انجام شد، بیان داشت: 22 درصد از افراد شرکت‌کننده در نظرسنجی در طول 12 ماه گذشته خود، به‌نوعی با یهودستیزی روبه‌رو شده بودند. 26 درصد از افراد خانواده و دوستان شرکت‌کنندگان به‌نوعی مورد رفتار یهودستیزی قرار گرفته بودند. 34 درصد از آن‌ها، همیشه از پوشیدن لباس‌هایی با نماد و سنبل دین یهود پرهیز می‌کردند. و سرانجام 18 درصد به‌دلیل حفظ امنیت خود در برابر یهودستیزی، به‌مهاجرت از سوئد فکر می‌کردند.

طبق نظر موسسه پژوهشی (Rew Res Center)، از نظر تهدید اجتماعی در برابر آزادی دینی، سوئد در ردیف کشورهای مانند عربستان سعودی، ایتالیایی، ایران، ویتنام و لیبی قرار دارد.

لبته این امر، از روی آمار شکایت‌هایی که به‌شورای پیش‌گیری از جرم شده است هم مشخص می‌شود. طبق آمار «Brå»، در طول سال 2014 روی هم 490 شکایت با سابقه

پناهندگان

آموزش و پرورش ایران

مسابقات زیبایی بایستی ...

این تاثیرات آنقدر در جامعه زیاد است که حتی دخترچه‌ها نیز دنیای بچی خود را از دست می‌دهند، دوست دارند که هرچه زودتر خود را مانند بزرگترهایشان درست کنند. این رقابت آنچنان زیاد است که اگر دخترچه‌ای شبیه آن‌ها لباس نپوشد یا آرایش نکند او را مورد تمسخر قرار می‌دهند و طردش می‌کنند.



متأسفانه این مسئله در بعضی موارد، موجب خودکشی تعدادی از جوانان نیز شده است. در جامعه پیشرفته ما، بسیاری از جوانان برای آن که به این ملاک‌های زیبایی برسند عمل‌های جراحی زیادی می‌کنند. خیلی‌ها تغذیه مناسبی ندارند و به‌بیماری‌های مختلفی هم مانند آنورکسی (Anorexia) دچار می‌شوند.

البته ناگفته نماند که پشت چنین مسابقاتی شرکت‌های بزرگ مد و آرایش و غیره وجود دارند که هدف اصلی‌شان کسب سود بیشتر است و نه ارتقاء حرمت و شخصیت انسان! در پایان پیشنهاد می‌کنم که در زندگی خودت تصمیم‌گیرنده باشی که چگونه می‌خواهی زندگی بکنی؛ چه کسی می‌خواهی باشی و به‌کجا می‌خواهی برسی؟ این تصمیم به‌تو بستگی دارد، نه به‌دوستان، نه به‌جامعه، و نه به‌یک مسابقه پوچ!

رومينا حاجی خانى، 17 ساله، متولد سوئد ***

اخطار جمهوری اسلامی به تلگرام!

محمدرضا آقامیری، عضو هیات سانسور سایت‌های اینترنتی، روز دوشنبه 15 فوریه 2016 به‌خبرگزاری فارس گفت: «تلگرام اکنون در ایران بسیار رواج یافته و مردم بسیار به‌این شبکه وابسته هستند، اما با وجود وابستگی مردم به‌این شبکه اجتماعی، اگر تلگرام به‌خواسته‌های ما تمکین نکند، حذف خواهد شد. شبکه تلگرام باید سرورش را به ایران منتقل کند.»



در کشور جمهوری اسلامی ایران، چندین سال پیش، زمانی که به‌مرحله انتخاب رشته نزدیک شدم با شور و شوق خاصی که داشتم به‌آموزش و پرورش مراجعه کردم تا در دبیرستان ثبت‌نام کنم. اما با رفتار بد مسئولین آن‌جا روبه‌رو شدم. آن‌ها به‌من اصرار می‌کردند تا در رشته فنی حرفه‌ای ثبت‌نام کنم اما من، مسایلی را که در ذهن خودم برنامهریزی کرده بودم در رشته فنی نبود. ولی آن‌ها اصرار داشتند که باید همین رشته را انتخاب کنم. چون که از کشور دیگری آمده‌ام و یک مهاجر هستم. در نهایت پاسخی شنیدم که این چنین بود: ایرانی‌ها در اولویت هستند که نخست باید آن‌ها ثبت‌نام شوند. در آخر و اگر در مدرسه‌ای جای خالی باقی ماند آن وقت شماها را ثبت‌نام خواهیم کرد.



این برخورد مرا به‌شدت آزرده و ناراحت کرد و از علاقه من از رفتن به‌مدرسه کاست. تا این که اکنون به‌سوند آمدم و از امکانات مختلف برخوردارم و بدون هیچ تبعیضی در حال درس خواندن هستم. رضا رضایی، 18 ساله ***

۶۰ میلیون نفر در سراسر جهان

به‌گفته «بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل، تعداد آوارگان و پناهیجویان در سطح جهان به‌بالترین سطح خود از زمان جنگ کره در ابتدای دهه ۵۰ میلادی تا امروز رسیده است.

آقای بان، در جریان دیدارش از یک کمپ آوارگان در شرق کنگو، گفت در حال حاضر ۶۰ میلیون نفر در سراسر جهان، «آواره داخلی» یا پناهجو محسوب می‌شوند.

«آواره داخلی» به‌کسانی اطلاق می‌شود که به‌دلایلی مانند جنگ مجبور شده‌اند از محل سکونت خود بگریزند، اما کشور خود را ترک نکرده‌اند. دبیرکل سازمان ملل گفت که خود او در سن شش سالگی و در جریان جنگ کره، یک «آواره داخلی» بوده است. ***

گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل که امروز منتشر شده است، از شکست جامعه جهانی در دفاع از حقوق بشر خبر می‌دهد.

آنا لیندفورس، مدیر بخش سوندی این سازمان معتقد است که بحران پناهجویی و آوارگی بیش از شصت میلیون انسان باعث شده است تا ناکارآمدی سازوکار جامعه جهانی بیشتر آشکار شود.

لیندفورس می‌گوید: «تغییری که رخ داده این است که دیگر مسئله صرفاً رعایت حقوق بشر انسان‌ها نیست. بلکه سیستم‌ها و سازمان‌هایی که برای دفاع از حقوق بشر تشکیل شده‌اند نیز از سوی دولت‌ها و سازمان‌ها نادیده گرفته می‌شوند.»

برای مثال، تابستان سال گذشته، رییس جمهور سوئدان که از سوی دادگاه بین‌المللی جرایم جنگی تحت تعقیب است از آفریقای جنوبی دیدار کرد و برخلاف تصور جامعه جهانی، دستگیر نشد و به سوئدان بازگشت. (منبع: رادیو پژواک، بخش فارسی زبان رادیو سوئد) ***

... برای مثال کشته‌شدن یک کارمند دختر توسط یک کودک تنهای پناجو، تجاوزات جنسی به‌دختران جوان در مرکز استکهلم، درگیری‌های بسیار میان این کودکان و کارمندان اداره‌های مربوط، رشد شدید دزدی و ناامنی در مراکز شهرها توسط همین کودکان پناجو دو دسته‌گی‌های زیادی را در جامعه ایجاد کرده که برخی‌ها شدیداً از مخالفان ورود پناهندگان به این کشور، از جمله آن‌ها هستند. ولی در سوی دیگر، همین کودکان هستند که آینده کشور را می‌سازند ولی به‌شرط این که تا آن زمان به‌خوبی توسط جامعه رشد داده شوند. در خیلی از موارد قانون مانع از به‌وقوع پیوستن جرم نمی‌شود زیرا که همین قانون حمایت از کودکان، در خیلی از موارد مانع از مجرم شناختن بچه‌ها می‌شود. به‌نظر من اگر در تشخیص سن مهاجرین دقت و در مطابقت پیدا کردن مهاجرین تازموارد به‌جامعه تشدید دوباره شود از این‌گونه جرم‌ها جلوگیری می‌شود.

رضا رضایی، 18 ساله



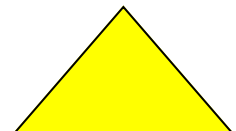
پناهنده کیست؟

پناهنده و یا مهاجر کسی است که از کشورش به‌یک کشور دیگر اجباراً کوچ می‌کند. در دنیای امروزه به‌دلایل مختلف از جمله جنگ و دیکتاتوری، مردمان بسیاری مهاجرت می‌کنند. پناهندگان برای مهاجرت، باید از فراز و نشیب‌های بسیاری بگذرند. آنان جان خود را به‌خطر می‌اندازند تا به‌مقصد امنی برسند. برای مهاجران آمدن به‌یک کشور دیگر، به‌معنای دوباره زندگی کردن است.

امکاناتی که آنان در این کشورها به‌دست می‌آورند می‌تواند برای زندگی آنان سرنوشت‌ساز باشد و برای حفظ این امکانات باید تلاش بسیاری بکنند.

امنیت و آرامش برای همه انسان‌ها امری ضروری‌ست و آنان باید برای حفظ این امنیت و آرامش و پیشرفت خود و کشوری که ساکنند تلاش کنند.

آرمان فتاد، 17 سال



دولت مردان با نقاب دموکراسی

دموکراسی در دنیای امروز مسئله بسیار مهمی برای افراد جامعه است. اما این دموکراسی مانند ماسکی بر چهره دولت مردان قرار گرفته است. به همین دلیل، آیا واقعا تعریف همه از معنی دموکراسی یکی است؟ آیا همه افراد از دولت خویش به یک اندازه توقع دارند؟

اگر کلمه دموکراسی را در فرهنگ لغتنامه جستجو کنیم به این معنی خواهیم رسید که «نظام حکومتی که در آن مردم دارای آزادی و حقوق برابر هستند و اختیار مملکت و تعیین هیئت دولت در دست نمایندگانی است که مردم انتخاب می کنند. با توجه به معنی این کلمه، نگاهی بر دنیای امروز می اندازیم و به دنبال دولت هایی می گردیم که در آن چنین تعریفی قابل توصیف آن کشور باشد.

در جهان امروزی بسیاری از دولت ها سیاست ها و قوانین خود را دموکراتیک می نامند. **سیاستمداران جهان که همچنان به دنبال افزایش قدرت خود هستند به مردم کشور خود کمی آزادی می دهند و آن کشور را دموکرات می نامند.** اما چرا این کار را انجام می دهند؟ با کمی تفکر می توان به دلیل این کار پی برد. آن ها برای افزایش قدرت خود به مردم آزادی بیان می دهند تا مردم را به سکوت وادار کرده و از آن ها به خوبی استفاده کنند. اما همه مردم از این سیاست خیر ندارند و تنها به زندگی روزمره خود مشغولند. قدرت مندانی جهان چون آمریکا، برای داشتن تسلط به دیگر قسمت های جهان و استفاده از منابع معدنی کشورهای دیگر با سیاست فریبکارانه و سازمان دهی گروه های تروریستی به آزادی و امنیت دیگر کشورها تجاوز می کنند. در حالی که خود را کشوری آزادی خواه می دانند و می خواهند که عدالت را در بین مردم برقرار سازند.

یا کشورهای اروپایی که خود را سرمنشا تمام محبت های دنیا، کمک به جنگ زده ها یا پناهندگان می دانند ولی در واقعیت چیز دیگری هستند. آن ها از مردم به عنوان یک نیروی کار استفاده می کنند و مردم را تا آخر عمرشان به خود مقروض نگه می دارند یا حرف از تبعیض نژادی می زنند اما واقعا این تفاوت ها در جامعه دیده می شوند؟ فرق در چیست؟ واقعا دموکراسی چیست؟

مردم کشورهای مختلف نیازهای اساسی دارند از جمله این نیازها پوشاک، بهداشت، خوراک و مسکن و... کسانی که از کشوری به کشور دیگر بنا به دلایلی از جمله جنگ و دیکتاتوری مهاجرت می کنند از نگاه سازمان ملل متحد، دارای برخورداری از تمام امکانات هستند و کشور پناهنده پذیر نیز از ارگان های مختلف پول تامین این امکانات را می گیرد.

اما با این وجود، چرا در میان پناجویان از رفاه چیزی دیده نمی شود؟ چرا فرزندان پناهندگان در مدارس گتوهای حاشیه شهرها به تحصیل مشغولند؟ و از ادغام در جامعه پناهنده پذیر محروم می مانند. مگر کشورهای اروپایی خود را دموکرات نمی نامند؟ پس چرا میان آدم ها باید تفاوت گذاشته شود؟

هر قدرتی در دنیا با اتکا به قوانین خاص خود، منابع کشورهای ضعیف تر را غارت می کنند و امکانات مردمی را می گیرند که از خود چیزی ندارند. قدرت مندانی امروزی خود را یکی از و به آن لقب دموکراسی می دهند اما دموکراسی و به آن

لقب دموکراسی می دهند اما دموکراسی آن ها، به نفع مردم تمام نمی شود. کشورها فقط با یک نماد (مجسمه)، معنی آزادی را نشان می دهند. آیا واقعیت این چنین است؟ خیر؛ دولت ها برای نشان دادن قدرت خود، نیاز به حمایت مردمی دارند اما مردم ساده را تنها مانند گوسفندانی به حساب می آورند و در میان گرگان قرار می دهند تا موقع نیاز تکتک آن ها قربانی منافع خود کنند.



به طور کلی مفهوم دموکراسی را می توان در چند اصل اساسی خلاصه کرد که مهم ترین آن ها عبارتند از: نشست گرفتن قدرت و قانون از اراده مردم؛ آزادی بیان افکار عمومی و اتکا حکومت به آن؛ وجود شیوه های مشخص برای بروز افکار عمومی از جمله احزاب سیاسی دموکرات در ظاهر زیبا، باطن زشت خود پنهان کرده است.

سارا مقیمی، 18 ساله

یک دختر سوندی بنام «مالین» 16 ساله، با دوست پسر 19 ساله اش، نخست به گروه های تروریستی در سوریه پیوست و سپس به موصل رفت. والدین او به رسانه سوندی «داکتز نی هتر» گفته اند که دخترشان در زمان ناپدید شدن، باردار بوده است.

مقامات سوندی و خانواده این دختر از شورای امنیت اقلیم کردستان عراق درخواست کمک کرده بودند. حال پیشمرگه های کرد اعلام کرده اند که مالین در روز 17 فوریه 2016 از جنگ داعش نجات یافته اما جزییات بیش تری در این باره نگفته اند. یکی از مسئولان اقلیم کردستان، گفته است که مالین در پناه آن هاست و خطری او را تهدید نمی کند. قرار است او در اولین فرصت به سوند بازگردانده شود. دوست پسر 19 ساله او به اتهام «ربایش احتمالی (این دختر، تحت پیگرد است و جستجو برای یافتن او نیز ادامه دارد.

نگهداری از یک کودک تنهای مهاجر به زوجی که سابقه آزار و اذیت کودکان داشتند.

رادیو سوند افشا کرد که نگهداری از یک کودک تنهای مهاجر به زوجی که سابقه آزار و اذیت کودکان خود را داشتند سپرده شده است. این اتفاق در کمون لسه بو رخ داده است.

شرکت خصوصی Hoppetgruppen که این خانواده را به کمون معرفی کرده، اظهار داشته بود که هیچ کدام از اعضای این خانواده، سابقه جرم نداشته اند و این خانواده مکانی ایمن برای کودکان است. اما هنگامی که کمون تحقیقات خود را انجام داد مشخص شد که نام این زوج به جرم آزار کودکان خود نزد پلیس ثبت شده است.

رامسینگ می گوید: «گاهی اوقات صرف یافتن خانواده برای این کودکان ما را خوشحال می کند. ما به خانواده های سرپرست سرکشی می کنیم. این کاریست که از دست ما بر می آید.»

مدیرعامل شرکت خصوصی هوپتگروپن از گفتگو با رادیو خودداری کرد و فقط از طریق ایمیل پاسخ داد که به اطلاع کمون رسانده که سابقه این خانواده را بررسی نکرده است. (منبع: رادیو پژواک، بخش فارسی زبان رادیو سوند)

Det låga antalet uppkärlade hatbrott kan även bero på polisens hantering av hatbrottsanmälningarna som tidigare kritiserats av trossamfundet. De olika trossamfundens medlemmar har föga förtroende för polisen och kritiserar deras hantering av dessa trakasserier och hatbrott. Antalet hatbrott kan därför vara högre än vad det uppges, då många väljer att inte anmäla brotten till följd av polisens ineffektivitet. Därmed blir Polisen, de som ska vara samhällets stöttepelare och ge trygghet och skydd istället bara ytterligare en orsak till att den kontinuerligt dåliga cirkeln förstärks. På så sätt accepteras hatbrott mer och mer, och religionsfientlighet blir alltmer av en norm istället för ett undantag. Saknaden av religionsfrihet leder till att individer upplever en känsla av otrygghet och rädsla som kan orsaka utanförskap och därmed påverka människors delaktighet i samhället. Denna sociala exkludering leder till att judar och muslimer marginaliseras, vilket begränsar individens möjlighet till att påverka sin egen livssituation. Ett mycket segregerat samhälle riskerar att resultera i ett polariserat samhälle där det finns ett tydligt "vi" och ett "de andra". Detta kan leda till extremism på båda fronter, "vi mot dem" mentalitet. I detta fall skulle arbetet för ett tolerant och öppet samhälle försvåras ytterligare. Dessa religionsfientliga atityder tillåts därför få fäste i ett redan sekulariserat samhälle. För många judar och muslimer är antisemitismen respektive islamofobin en del av vardagen men också något som tar sig form på ett strukturellt plan. Därmed kan en slutsats dras att religionsfriheten i Sverige, som är en mänsklig rättighet, inte fungerar i praktiken.

Källförteckning:

European Union Agency for Fundamental Rights. "Discrimination and hate crime against Jews in EU Member States: experiences and perceptions of antisemitism". 2013

http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra-2013-discrimination-hate-crime-against-jews-cu-member-states_en.pdf

(Hämtad 2015-12-13)

Borell, Klas. *Islamofobiska fördomar och hatbrott: En kunskapsöversikt*. Nämnden För Statligt Stöd till Trossamfund. 2012.

[http://www.ssta.se/download/18.11165b2c13cf48416dc7759/1377188453740/](http://www.ssta.se/download/18.11165b2c13cf48416dc7759/1377188453740/Islamofobiska+f%C3%B6rdomar+och+hatbrott++hela+h%C3%A4ftet.pdf)

[Islamofobiska+f%C3%B6rdomar+och+hatbrott++hela+h%C3%A4ftet.pdf](http://www.ssta.se/download/18.11165b2c13cf48416dc7759/1377188453740/Islamofobiska+f%C3%B6rdomar+och+hatbrott++hela+h%C3%A4ftet.pdf)

(Hämtad: 2015-11-02)

Djäv, Carina. Westerberg, Sara. Frenzel, Anna. *Statistik över polisanmälningar med identifierade hatbrottsmotiv och självrapporterad utsatthet för hatbrott. Brottsförebyggande rådet*. 2015.

[https://www.bra.se/download/18.3f29640714dde2233b1bd975/1438687979405/](https://www.bra.se/download/18.3f29640714dde2233b1bd975/1438687979405/015_13_Hatbrott_2014.pdf)

[015_13_Hatbrott_2014.pdf](https://www.bra.se/download/18.3f29640714dde2233b1bd975/1438687979405/015_13_Hatbrott_2014.pdf)

(Hämtad: 2015-11-02)

Nämnden För Statligt Stöd till Trossamfund. *Främlingsfientliga handlingar mot trossamfund*. 2014.

[http://www.ssta.se/download/18.2fd784f81498e7bc198f3e27/1415783087001/](http://www.ssta.se/download/18.2fd784f81498e7bc198f3e27/1415783087001/fattacker_helarapport.pdf)

[fattacker_helarapport.pdf](http://www.ssta.se/download/18.2fd784f81498e7bc198f3e27/1415783087001/fattacker_helarapport.pdf)

(Hämtad: 2015-11-02)

Ali Mahmoudi 18 år



شعر



سهراب رحیمی، شاعر، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار در سانحه آتش‌سوزی اتومبیل در 11 فوریه 2016 درگذشت. او پس از ترک ایران، ساکن شهر مالمو سوئد شد. او به مدت چهار سال منتقد شعر فارسی در نشریه فرهنگی کولتورن و عضو هیئت یک مجله ویژه شعر در سوئد بود. اشعار سهراب رحیمی تاکنون به زبان‌های ترکی، عربی، انگلیسی، اسپانیایی، روسی، مقدونی، اکرایی، فرانسوی و چینی ترجمه شده است. نشریه دانش‌آموز درگذشت این چهره ادبی ایرانی را به‌جامعه ادبی ایرانین و سوئد تسلیم می‌گوید.

مسئولین و همکاران نشریه دانش‌آموز

از لباس‌های سیاه
فاصله می‌گیرم
تا جنازه‌ام را
روی سنگ‌ها نوازش کنم
کنار رگ‌هایم
پاهایم خاموش‌اند
و زنبورهایی که تنفس می‌کنم
نفس در موهایم می‌کشند
با قطار کفن
از شهرهای شیمیایی گذشته
و خیر را
در جنازه‌ها پیچیدی
غرق نسیمی از ماه
اما کنار دست‌های تابستان و
بوی اکسیژن
شعری که من بود
در شیشه‌های الکل
فرو می‌رفت

...
به نقل از وب سایت این شاعر



دلنگی

دیروز واسه یه بار دیگه بغض تو دلم نشست
به یاد اون لحظه‌ای که عشق تو دلم نشست
دیروز دلم بونه می‌کرد واسه دوباره دیدنت
برای گرمی نگات واسه تو خواب بوسیدنت
دیروز دلم تنگ شده بود برای گرمی صدات
برای پیچیدن اون توی تمام لحظات
دیروز دلم دوباره خواست دستاتو محکم بگیرم
باور کنم مال منی برای عشقت بهمیرم
دیروز دلم گفت چه بد عاشق بی عشق بمونی
یا که برای انتقام با غریبه خو بکنی
امروز دلم ساکنه و هیچی تو گوشم نمی‌گه
به جای اون چشمم که خیلی چیزها به دل می‌گه
امروز چشمم تو رو دیده به دیگری دل می‌دای
عشق و صدا و خندت رو به او هم هدیه میدادی
فردا می‌دونم دل من یا لال هیچی نمی‌گه
یا که اگه حرف بزنه
به خودم هم دروغ می‌گه

صبا برمایه ور، 17 ساله

تاریکی و نور

شب، وقتی که ستارگان به زیبایی می‌درخشند
وقتی که همه چیز در آرامش کامل است
شب وقتی است که تاریکی خودش را نشان
می‌دهد.
و همه جا را به تاریکی می‌کشد.
ولی شب از درخشش ستارگان در هراس است



و هیچ‌گاه تاریکی نخواهد توانست بر درخشش
ستارگان چیره شود.
و این همانا زندگی ماست
که نور را همیشه در تاریکی پیدا می‌کنیم.

پایا ربیعی دزفولی، 17 ساله



روز جهانی زن گرامی باد!

شکست عشقی

هفت سال شده که این در به‌روم بسته شده...
هفت سال؟! یا یه عمر...!
بهترین رفیق، می‌شنوه، درک می‌کنه... سیگار
رو می‌گم
یه عمر دارم تو این خیابونا راه می‌رم، یه عمر
دارم فکر می‌کنم به این که مگه می‌شه...؟
عاشق بودیم!! گفت می‌میره واسم! مرد؟



ناخودآگاه می‌رم سمت اون خیابون، همیشه آخر
راه رفتن تموم می‌شه به این‌جا... چطوری!
نمی‌دونم. می‌گن «شکست عشقیه.»
فکر نمی‌کردم اصلا چی می‌تونه باشه، چون
هیچ‌وقت نمی‌دونستم که قراره تموم بشه... یعنی
همه چیز تمام شد!

این که خوابشو می‌بینم با این که توی خواب
به یاد حرفاش می‌افتم... خندم می‌گیره، یا...
این که صدش هنوز تو گوشمه، گرمی دستش
احساس می‌شه. اما نیست... یعنی تمام شد!
مژگان می‌گه عادیه! مامانم می‌گم، تنها کسی که
باهاش حرف می‌زنم. ولی تنها کسی نیست که
وقتی حرف می‌زنم آروم می‌شم. به هم می‌گه زیاد
فکر می‌کنی، توهم.
مگر می‌شه که توهم باشه، مگر دل من اسباب
بازیه، مگه من بچه‌ام؟ فهم دارم... احساس دارم...
فکر دارم... به‌خدا من می‌فهمم...

دارم راه می‌رم تو خیابون مورد علاقه‌اش، مگر
این که ببینم، مگر این که ببینمش. آن‌قدر که
عاشقش بودم انگار که همه شبیه‌اش بودن یا
هیچ‌کس شبیه‌اش نبود. می‌دونی از نظر من
شکست عشقی یعنی چی؟ یعنی این که داغی،
نمی‌فهمی، نمی‌خوای که بفهمی، یعنی این که ادعا
می‌کنی که چیزی نیست یا برات مهم نیست. یعنی
می‌خندی... یعنی تو اوج غم می‌خندی. لعنت
بهش، یعنی هنوز کسی باورش نشده که تو چه قدر
می‌کوشی قوی باشی بعد از این همه دوست داشتن!
خودم باورم نشده. می‌خوای بدونی شکست عشقی
چیه؟ یعنی مرگ... مرگ روحی، بی‌حسی...
دیگه احساس نمی‌کنی هیچ دردی رو... یعنی من!

شیوا دامن‌افشان، 17 ساله



Religionsfriheten

Sverige räknas som ett av världens mest sekulära länder och har sedan 1951 haft en religionsfrihetslag som är reglerad i landets grundlag. Religionsfriheten innebär att alla har rätten att utöva sin religion och att den rättigheten är skyddad. Religionsfrihet är även en mänsklig rättighet och täcks i kapitel 18 av FN:s allmänna förklaring som understryker att varje människa har rätt till tankefrihet, samvetsfrihet och religionsfrihet.

I en studie av Pew Research Center från 2014 beräknas Sverige vara ett av de länder med högst hotbild mot religionsfriheten, vilket även stöds av andra undersökningar. I en undersökning av SOM-institutet gällande attityder gentemot religion och religionsfrihet i Sverige visas det att 50% av respondenterna hade negativa attityder till islam år 2011. Motsvarande siffra gällande judendomen är 34%. Samtidigt vittnar många muslimska och judiska trossamfund att deras medlemmar diskrimineras dagligen på grund av deras religiösa tillhörighet. Företrädare för diverse muslimska samfund hävdar att glåpor, diskriminering och negativ särbehandling tillhör många muslimers vardag. Diskrimineringsombudsmannen (DO) rapporterar att muslimer även diskrimineras på bostadsmarknaden då människor som uppfattas vara muslimer riskerar att behandlas sämre. DO menar också att religionstillhörighet även kan påverka arbetsmarknaden, särskilt rekryteringsärenden då arbetsgivare systematiskt uppges välja bort personer som är muslimer eller har arabisk klingande namn. Vidare uppges *European Union Agency for Fundamental Rights* (FRA) undersökning från 2013 att 22% av respondenterna under de senaste 12 månaderna upplevt någon form av antisemitism. 22% av respondenterna anger att deras vänner och familjemedlemmar blivit utsatta för antisemitiska handlingar medan 26% bevittnat när andra judar blivit utsatta för antisemitism. 34% av respondenterna väljer att alltid undvika bära religiösa symboler och kläder. 18% av respondenterna anger att de på grund av säkerhetsskäl funderat på att emigrera från Sverige. Sveriges sociala hotbild mot religionsfrihet är enligt Pew Research Center i samma kategori som exempelvis Saudiarabien, Etiopien, Iran, Vietnam och Libyen.

Den sociala hotbilden mot religionsfrihet yttras genom antalet hatbrottsanmälningar som Brottsförebyggande rådet (BRÅ) sammanställt statistik över. Under 2014 förekom det 490 anmälningar med islamofobiska motiv, vilket är en ökning med 50% jämfört med året innan. Endast 1% av dessa anmälningar uppkarades. När det gäller antisemitiska hatbrott förekom det 270 hatbrott med antisemitiska inslag som anmälades under 2014, vilket är en ökning med 38% jämfört med året innan. BRÅ rapporterar att endast 3% av hatbrotten med antisemitiska motiv uppkarades.

Jag anser att det faktum att så många hatbrott riktas mot judiska och muslimska trossamfund kan vara en indikator på att Sveriges religionsfrihet inskränks eftersom individer inte tillåts utöva sin religion utan att bli diskriminerande.

Skönhetstävlingar måste förbjudas!

I samhället har Schönhetstävlingar blivit väldigt kritiserade. Grunden för dessa tävlingar är att värdera kvinnors utseende och kropp. Varje år hålls det ungefär 100 tusen Schönhetstävlingar i USA. Sajtens Missamerica säger: "Existensen av dessa Schönhetstävlingar motsäger allt som feministerna under åren har kämpat för". Dessa tävlingar leder till att det skapas en orealistisk bild av hur kvinnans kropp ska se ut. Dessutom kan dessa tävlingar vara skadliga för åskådarna då de kan känna sig missnöjda med sitt utseende och även känna att de inte räcker till. Därför tycker jag att Schönhetstävlingar borde förbjudas!

Arrangerandet av Schönhetstävlingar och likaså utnämningen av en vinnare, ger domarna möjligheten att sätta prägeln för kvinnans Schönhetsideal i samhället. Ingen borde ha makten att göra detta, eftersom alla kvinnor är vackra på sitt eget sätt, oavsett om de är smala eller tjocka, långa eller korta. Till skillnad från det många tror, handlar inte Schönhet bara om ens yttre hur man är som en människa spelar också en stor roll inom detta. Schönhetstävlingar uppmuntrar människorna i samhället till att endast värdera kvinnornas Schönhet efter deras utseende. Som en konsekvens av detta, ses kvinnorna som objekt i männens ögon och det riktas ingen uppmärksamhet till deras olika personligheter.

Dessa tävlingar målar upp en kvinnobild i samhället som bygger på att kvinnan är lång och smal med långt hår och höga kindben. När andra kvinnor ser de kvinnor som deltar i tävlingarna och jämför de med sig själva, resulterar det i att deras självförtroende sjunker och även drabbas av depression. Denna bild av den perfekta kvinnan som existerar i samhället har så stor påverkan att även männen kräver att sina fruar ser ut som dessa modeller. I vissa fall har detta en negativ effekt i deras förhållande.

Unga tjejer har dessa modeller som sin förebild och försöker efterlikna dem. En stor summa pengar används då på dyra märkeskläder, smink och Schönhetsprodukter. Dels har dessa olika produkter har negativa effekter på tjejernas hy och hår, men dels spenderas dyrbar tid på dessa saker så att läxor och annat som är viktigare blir sista prioritet. Unga tjejer påverkas så extremt av Schönhetsidealen som tävlingarna medför så att barnen går miste om sin barndom och vill växa upp snabbt för att bli som de vuxna. Konkurrensen mellan de unga tjejerna är så stor att de flickor som inte vill klä sig i märkeskläder eller sminka sig riskerar att bli utfrysta och mobbade av de andra tjejerna. Olyckligtvis leder detta i vissa omständigheter till självmord.

I samhället idag gör vissa kvinnor många plastikoperationer för att kunna nå upp till Schönhetsidealen, andra drabbas av åtstörningar såsom Anorexia.

Slutligen ber jag er att själva vara den personen som tar beslut i ditt liv, att själv bestämma hur du vill leva, vem du vill vara och vad du vill nå. Dessa beslut relateras endast till dig själv; inte till dina kompisar, inte till samhället och absolut inte till någon dum Schönhetstävling!

Romina 17 år, född i Sverige



Fortsättning på Sidan 6